



مستند نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط "حکومت جمهوری اسلامی" در ایران
بیننده گرامی این بخش در حال باز گذاری میباشد



برای بازدید از
نمایشگاه عکس و
فیلم بر روی لوگو
زیر کلیک فرمائید
CLICK HERE !!



Photo : Javad Moghimi

FARS NEWS AGENCY

به دنبال اخراج 240 نفر از پرسنل شرکت صورت گرفت

۱۳۸۵

ن‌های گسترده در صدرا

یکصد نفر از کارگران و مهندسان شرکت کشتی‌سازی صدرا در اعتراض به آنچه اخراج ناعادلانه خود توسط مسوولان این شرکت نامیدند، مقابل
ی بوشهر تجمع کردند.

رش خبر نگار سینا از بوشهر این افراد درحالی که پلاکاردهایی در دست داشتند اعلام کردند: مسوولان شرکت کشتی‌سازی صدرا روز چهارشنبه
شته در اقدامی غیر منتظره ۱۸۰ نفر از نیروهای خود را در رده‌های مختلف اخراج کردند.

استار فراهم شدن زمینه بازگشت مجدد برسرکارهای خود توسط مسوولان استانداری و اداره کل کار و امور اجتماعی استان بوشهر شدند.

ش سینا یکی از کارگران اخراجی در این رابطه گفت: عمده نیروهای اخراجی افراد بومی استان بوشهر هستند که حداقل سه سال سابقه کار دارند.

ود: درحالی که شرکت کشتی‌سازی صدرا اخیراً قرارداد چندین پروژه بزرگ از جمله ساخت ۱۰ فروند کشتی حمل گاز مایع طبیعی را با کشور
مضا کرده، اما معلوم نیست اخراج نیروها با چه هدفی انجام می‌شود.

ورشد: اکثر نیروهای اخراجی متاهل هستند که برای گذران امور زندگی خود وام‌های متعددی گرفته‌اند و با تصمیم اخیر برای چگونگی تامین وجه

، اقساط و هزینه معیشت خود نگران‌اند.

برج کرد: نیروهای اخراجی "قرارداد موقت" بوده و بالاترین حقوق آنان برای نیروهای فنی در رده کارگری دومیلیون و ۹۰۰ هزار ریال است.

گر از کارگران اخراجی که خواست نامش فاش نشود گفت: هرگونه اعتراضی در خصوص ضایع شدن حق کارگران باعث واکنش مسوولان این و اخراج کارگران می‌شود.

مهندسان اخراجی با بیان اینکه ۳/۵ سال است که با مدرک مهندسی کشتی‌سازی در صدرا مشغول به فعالیت است است اظهار داشت: اخراج نیروها ت صدرا به دنبال این طرح که حقوق کارگران موقت باید ۱۵ درصد بیشتر از حقوق کارگران ثابت باشد، آغاز شد.

ورشده: اخراج نیروها در شرکت کشتی‌سازی صدرا در حالی انجام می‌شود که اخیراً سه مهندس جدید در رشته کشتی‌سازی در این شرکت استخدام

دیگر یکی از کارگران شرکت سکوسازی صدرا نیز گفت: روز شنبه ۶۰ نفر از نیروهای این شرکت اخراج شده‌اند.

می‌شد: هم‌اینک تمام نیروهای قسمت سکوسازی در حمایت از همکاران اخراجی خود دست از کار کشیده‌اند و در محل شرکت تجمع اعتراض آمیز

کار و امور اجتماعی استان بوشهر نیز در این باره گفت: در چهار روز اخیر شرکت صدرا ۲۴۰ نفر را در قسمت سکوسازی و کشتی‌سازی اخراج

بین کرمی افزود: چند ماه پیش نامه‌ای از سوی این اداره کل به شرکت‌های فعال در استان بوشهر ارسال شد که در صورت برنامه‌ای برای اخراج ن خود موضوع را دو ماه قبل به این اداره اطلاع دهند.

هارداشت: شرکت صدرا نه تنها این موضوع را عملی نکرد بلکه در اقدامی دست به اخراج شماری از نیروهای خود زد که این موضوع باعث جامعه کارگری استان بوشهر شده است.

بادورشد: برای بررسی موضوع گروهی از مسوولان حوزه اشتغال و بازرسی اداره کل کار و امور اجتماعی مذاکره خود را با مسوولان شرکت آغاز کرده‌اند که تاکنون پاسخ مشخصی برای علت اخراج و احتمال بازگشت آنها دریافت نشده است.

ارگران اخراجی شرکت صدرا بوشهر با درخواست مسوولان استانداری بوشهر، نمایندگان از سوی این کارگران برای مذاکره با مسوولان این مبین شدند و تجمع پایان یافت

ات و وکلای از تحقیقات جهانی و به روز حقوقی اطلاعی ندارند / دروس ق با حجم و تنوع موضوعات اجتماعی هماهنگ نیست

19 ژانویه 2006

، ببینید : منبع: خبرگزاری مهر

یات علمی دانشگاه شهید بهشتی گفت: مسئولین اجرایی در امور حقوقی بدون اطلاع از وضعیت تحقیقات جهانی و به روز تنها به امور جاری می
. این در حالی است که پژوهش و ارتباط با پژوهشگر قبل از هر تصمیم‌گیری برای انجام امور اجرایی ضروری است
عفر کوشا" در گفتگو با خبرنگار دانشگاهی "مهر" افزود: به لحاظ توسعه و تنوع گرایش‌ها و مباحث حقوقی، مواد درسی و منابع این رشته باید با
نگی‌ها و تنوع سخنی داشته باشد. یکی از چالش‌های رشته حقوق در دانشگاه‌ها نامتناسب بودن دروس با حجم و تنوع موضوعات اجتماعی

ار داشت: در جهت کاربردی کردن دانش حقوق باید در مقطع کارشناسی دانشجو را با گرایش‌های جدید این رشته مانند حقوق ثبت و تجارت بین الملل
د

، دانشگاه شهید بهشتی در خصوص وضعیت پژوهش در رشته حقوق اضافه کرد: به دلیل پژوهشی عمل نکردن سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف

و قضایی، پژوهش های حقوقی پس از اجرا، جایگاهی در این مراکز و مجامع نداشته و همین امر محققان این رشته را در انجام تحقیق دلسرد می کند

ا اشاره به عصر اطلاعات و لزوم تحقیقات جدید در کشور اظهار داشت: بسیاری از اساتید و دانشجویان همچنان به تحقیقات کلاسیک و سنتی در " کتفا می کنند این در حالی است که موضوعات حقوقی نیازمند تحقیقات به روز و جهانی است

یان این که منابع درسی در رشته حقوق بسیار ضعیف است افزود: دانشجویان حقوق به منابع غنی و قوی دسترسی ندارند

وق دانشگاه شهید بهشتی یادآور شد: دادگستری آزمایشگاه دانشکده های حقوق است و دانشجوی حقوقی که با دادگاه آشنا نباشد مانند دانشجوی پزشکی ، سالن تشریح یا بیمارستان را ندیده است

بان این که بسیاری از دادگاه ها به بهانه محرمانه بودن، پرونده ها را به خارج از مجموعه قضایی ارجاع می دهند، تصریح کرد: بهتر است برای دانشجویان با روند حقوقی خارج از دانشگاه و ارتباط هر چه بیشتر مراجع قضایی با دانشگاه و مراکز علمی، پرونده های حقوقی مراجع قضایی در های دانشگاهی مورد بررسی قرار گیرد و قضات نیز از اطلاعات علمی اساتید رشته حقوق استفاده کنند

کوشا" در ادامه اظهار داشت: آمار پرونده های دستگاه های قضایی باید به صورتی شفاف و واقعی در اختیار مراکز علمی قرار گیرد

خصوص پذیرش دانشجوی رشته حقوق در کشور اضافه کرد: به لحاظ اهمیت رشته حقوق باید ورودی و خروجی آن در کشور کنترل شود. در حال با ایجاد دانشکده های متعدد حقوق در هر منطقه و پذیرش مازاد بر نیاز دانشجو در این رشته، کیفیت آموزش و پژوهش حقوق کاهش یافته است

جمعی از بسیجیان نسبت به وضعیت استخدامی خود

ز نیروهای بسیجی خراسان جنوبی با تجمع در جلوی ساختمان مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت استخدامی خود اعتراض کردند
ش خبرنگار پارلمانی خانه ملت، یکی از معترضین در این رابطه گفت: ما تعداد 2500 نفر بسیجی هستیم که مدت 5 سال با وعده استخدام رسمی در
خراسان مشغول به کار شدیم. آنها در این چند سال بدون دادن هیچ مزایا و امکاناتی از ما کار کشیدند. حتی ما را با هزینه خودمان به مناطق صفر
فرستادند. مناطقی که نیروهای انتظامی حاضر به رفتن به آنجا را نشدند
د: آنها با تهدید قراردادی با ما بستند که نه حق بیمه داشت و نه وضعیت استخدام را روشن می کرد و نه حقوق کافی (80 هزار تومان) داشت و ما فقط
مهلت داشتیم که آن را امضا کنیم. بعد از مدتی نیز به نیروی انتظامی منتقل شدیم و حالا نیز با استعفای قالیباف ما را اخراج کردند 48
مورد وضعیت بسیجیان گفت: ما شب ها و روزها بدون آذوقه (کنسرو و لوبیا) در کوه ها به سر می بردیم تا از مرزها دفاع کرده و مانع ورود اشرار و
ن افغانی می شدیم اما اکنون جواب ما را اینگونه می دهند. آیا این حق
حال باید کجا مشغول به کار شویم؟ جواب خانواده هایمان را چه کسی می دهد؟
فرد دیگری اظهار داشت: حال که امنیت در مرزهای شرقی کشور برقرار شده است دیگر کسی جواب ما را نمی دهد. ما چندین بار به فرمانداری و
بی استان خراسان رفتیم اما کسی پاسخگو نبود. حتی نامه ای از مجلس به ناحیه خراسان ارسال شد اما آنها گفتند این نامه ارزشی ندارد
مرض در این تحصن گفتند ما آنقدر اینجا می مانیم تا قالیباف جواب ما را بدهد این شخص نه انصاف دارد نه عدالت لذا صلاحیت کاندیداتوری ریاست
پ ندارد

شکایت بی حاصل از قضات

محمد سپت زاده

شهریور ۱۳۸۴ ۲۳

کریمی راد سخنگوی قوه قضاییه [وزیر ثعلی دادگستری؛ که نمی دانم جمع دو پست از قوای مجریه و قضاییه چگونه قابل جمع اند] چندی پیش گفته
' ۹۲٪ شکایات از قضات منجر به قرار منع پیگرد شده ، یک درصد از شکایات بدون امضاء و یا بی پایه و اساس شناخته شده و ۲ درصد شکایات به
"موقوئی تعقیب و در مجموع ۴ تا ۵/۴ درصد شکایات منجر به صدور کیترخواست منتهی شده است

. اظهارات سخنگوی قوه قضاییه از ابعاد مختلف در خور دقت و امعان نظر و تحقیق و بررسی است

شکایاتی که منجر به صدور قرار موقوئی تعقیب شده اگر صدور قرار بلحاظ شمول مرور زمان بوده ، نحوه رسیدگی و تطویل دادرسی شایسته -
. تقدیر و قدردانی نبوده، بلکه این قضات باید مورد پرسش و تعقیب قرار گیرند

ت از ۹۲٪ پرونده های منع پیگردی با ۴ تا ۵/۴ درصد پرونده های کیترخواستی، دو طرث معادله ایست که امکان تحقیق و بررسی را فراهم می -
 چه، اولاً در بین دستگاههای حکومتی و ادارات تابع قوه قضاییه همیشه دادگستری موجب بالاترین سطح نارضایتی مردم بوده و این امر گهگاهی
 رسمی یا نیمه رسمی اعلام شده است. ثانیاً تحقیق از مراجعین دادگستری میزان نارضایتی مردم از قوه قضاییه را به خوبی نشان می دهد. ثالثاً بیش
 مال است که دادرسی انتظامی قضات و دادگاه انتظامی قضات، با حجم وسیعی از شکایات مردم از قضات، روبرو بوده است. در زمان ریاست حجه
 آل اسحاق بر دادرسی انتظامی قضات، دادیاران دادرسی انتظامی علی المقدور نسبت به رسیدگی به پرونده ها دقت لازم را معمول داشته و تعدادی از
 تخلت و جسور از طرث این دادرسی تحت تعقیب و کیترخواست قرار گرفتند، اما بعد از انتقال ایشان به دیوانعالی کشور و انتقال و استعنائی بعضی از
 شجاع و شهیر، این دادرسی نتوانست آن طور که شایسته است و شئونات این شغل ایجاب می کرد در مقابل قضات متخلت ایستادگی کند. و در نتیجه آن
 نواست ها ظاهراً به بوته اجمال سپرده شده و دیگر تعقیب نشد. تا جایی که در مسئله وبلاگ نویس ها، جناب کریمی راد ثرمودند که قضات مرتکب
 قصور شده بودند. البته مقصود از قصور و تخلت از یک سو آن شکنجه های معروف و سلولهای انترادی بود که به سوئیت تعبیر شده بود و از سوی
 اخن پرونده ها غیرمرتبط با اتهامات وارده و ورود به احوال شخصی متهمین علیرغم ممنوعیت قانونی بود. این موارد از طرث سخنگوی قوه قضاییه
 خلث و قصور تعبیر شد و شنیده نشد دادستان محترم دادرسی انتظامی وقت، کیترخواستی علیه این قضات متخلت صادر کرده باشد. رابعاً از آنهمه
 که به قول جناب خاتمی هر 9 روز برای دولت قبلی به وجود آمد که این بحرانها عموماً از طرث قوه قضاییه ساخته و پرداخته می شد، هیچ قاضی
 تحت تعقیب دادرسی انتظامی قضات قرار گرفت؟ در این دوره قضات رسیدگی کننده به پرونده های کنترانس برلین، نوارسازان، موج دستگیری
 شاخص، رسیدگی به پرونده های قتل های زنجیره ای، رسیدگی به پرونده قاتلین قتل های زنجیره ای، توقیت غیرقانونی بیش از صد روزنامه،
 گی به پرونده مهاجمین به کوی دانشگاه، احضار و تعقیب نمایندگان مجلس ششم در راستای ایثای وظایت نمایندگی علیرغم ممنوعیت تعقیب، استناد
 منسوخه اقدامات تامینی و تربیتی که مخصوص مجرمان خطرناک و قوادها و باندهای تحشاء بود نه اهل علم و ادب و فرهنگ و دهها پرونده جرایم
 و مطبوعاتی و عادی که صدها بار حقوق اساسی مردم از طرث قضات نقض و پایمال شد، که همین اقدامات ناچار منجر به بخشنامه پانزده ماده ای
 ت قوه قضاییه و ماده واحده قانون احترام به حقوق شهروندی شد. در تمام این موارد کدام یک از قضات متخلت تحت تعقیب دادرسی انتظامی قضات
 ثت تا بتوان آینده ای روشنی بر این دستگاه نظارتی مهم و حیاتی تصویر کرد؟ برای این که از مسایل و مصایب روزمره مردم سخن گفته باشم ناچار
 . به ذکر مثالهایی هستم که دادیار محترم دادرسی تحت ریاست شما قرار منع پیگرد چند قاضی متخلت را صادر کرد

و دستگاه آپارتمان خود را به خریداری ثروخته بعد از یک سال ثروشنده، همان دو دستگاه آپارتمان را به شخص ثالثی می ثروشد، آیا بر طبق قانون
 ال غیر مصوب ۱۳۰۸ این ثعل مجرمانه، ثروش مال غیر نیست؟ آیا این عمل متقلبانه ثروشنده که خود را مالک معرفتی و به خریدار دوم ثروخته از
 ن بارز ثروش مال غیر و یا کلاهبرداری نیست؟ اما باز پرس و دادستان و رئیس دادگاه و رئیس دادگستری شهریار به صراحت میگویند ما این عمل
 م نمی دانیم، و اگر این ثروش بموجب سند رسمی انجام پذیرفته بود آنرا ثروش مال غیر می گرفتیم؟! من به آنها می گویم برابر ماده ۱۱۷ قانون ثبت
 ثل اگر به موجب سند رسمی باشد، معامله معارض بوده و مجازات شدیدتری دارد. ظاهراً از این ماده اطلاعی ندارند. به دادرسی انتظامی قضات
 می شود، پرونده به دادیار (ع) ارجاع می گردد. یکی از دادیاران شریث آن دادرسی به نگارنده می گوید با ارجاع پرونده به این دادیار ثاتحه پرونده

برد بر پیشانی ام می نشیند. جناب آقای کریمی راد! این همه از جمله مواردی است که در زمان ریاست حضرتعالی بر دادرسی ات را بخوان
 انتظامی قضات قرار منع پیگرد چهار قاضی متخلت صادر گردید

کریمی راد! خدا را در نظر بگیرید و پرونده مجتبی سمیع نژاد را مطالبه و مورد مطالعه قرار دهید، اگر از اعمال خلث قاضی مقدس و باز پرس
 ارشاد و مامورین انتظامی بغض گلویتان را نگرثت و از اینهمه ظلم و ستمی که بر یک وبلاگ نویس دانشجو شده متاثر نشدید تمام ادعاهای خود را
 پس میگیرم. دادرسی انتظامی قضات کجا پرونده مجتبی سمیع نژاد را مطالبه و مورد رسیدگی قرار داد؟

قوه قضاییه تصمیم گرفتید جهت کمک به وضع معیشتی قضات بر مبنای پرونده های مختومه در دادرسی انتظامی قضات به دادیاران اضافته کار
 کنید. آیا رسیدگی های شتابزده نود و دو درصدی ثوق به لحاظ این عمل غیر کارشناسانه نبوده که بعضی از قضات از جمله دادیار (ع) از این عمل
 !!! سوء استناد، و با سرعتی حیرت انگیز پرونده ها را با قرار منع پیگرد مختومه کرده و شما آمار آنرا ارائه میدید

جناب کریمی راد! جنابعالی بخوبی می دانید، آماری که اعلام کردید، نشان تعادل و عدالت و رسیدگی منصفانه و عادلانه در دادگستری نیست

! دادرسی انتظامی قضات شکایت ببریم یا پرونده ها نزد شما خواهد ماند و یا قرار منع پیگرد قضات متخلت صادر خواهد شد

قوه قضاییه مستقل احتیاج به دستگاههای نظارتی مستقل و قوی دارد. بهوش باشیم و دستگاههای نظارتی قوه قضاییه را قوی و کارآمد سازیم

چارچوب لایحه مدیریت خدمات کشوری اعلام شد

زئیات تعیین حقوق و مزایای کارمندان دولت

روه اقتصادی: مبنای تعیین حقوق و مزایای کارکنان دولت در لایحه مدیریت خدمات کشوری تغییر می کند
 گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، نظام پرداخت کارمندان دولت مبتنی بر روش امتیازی و براساس ارزشیابی

رامل شغل و شاغل خواهد بود. براساس لایحه مدیریت خدمات کشوری، امتیاز حاصل از نتایج ارزشیابی این عوامل در ضریب ریالی مربوط نرسیده و مبنای تعیین حقوق و مزایای کارمندان قرار می‌گیرد.

صورت تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی، ضریب ریالی مذکور هر سال با توجه به شاخص هزینه زندگی و میزان تورم و منابع مالی دولت با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

اساس این لایحه، روش امتیازی مشتمل بر عوامل شغل نظیر اهمیت و پیچیدگی وظایف و مسئولیت‌ها، سطح تخصص و مهارت‌های مورد نیاز و شرایط رقابتی بازار، حداقل ۲۵۰۰ و حداکثر ۷۵۰۰ امتیاز و عوامل مربوط به «شاغل» نظیر تحصیلات، معلومات، دوره‌های آموزشی، نوات خدمت، مهارت و تجربه، حداکثر ۶۰۰۰ امتیاز تعیین شده است. به موجب لایحه خدمات کشوری، تعیین امتیاز عوامل مربوط به شغل براساس امور اداری و استخدامی کشور انجام پذیرفته و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌شود. ارزیابی عوامل مربوط به شاغل هم براساس سوابق شغلی مذکور و توسط دستگاه‌های اجرایی انجام می‌پذیرد.

خصی سالانه ۲۶ روز

چنین در این لایحه برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی، سالی ۲۶ روز «مرخصی کاری» (بدون احتساب تعطیلات بین مرخصی) با استقاده از فوق و مزایای مربوط پیش بینی شده است و حداکثر نیمی از مرخصی کارمندان در سال قابل ذخیره شدن است.

لایحه مدیریت خدمات کشوری، حداکثر ۴ ماه مرخصی استعلاجی برای کارمندان در نظر گرفته شده و در مورد بیماران صعب‌العلاج با خیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، محدودیت زمانی ۴ ماهه مستثنی شده است. در لایحه مذکور همچنین دستگاه‌های اجرایی بوز دارند که کارمندان، بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان را علاوه بر استفاده از بیمه پایه درمان، با مشارکت خود آنان تحت پوشش بیمه‌های تکمیلی قرار دهند».

لایحه مذکور «ساعات کار» کارمندان دولت ۴۴ ساعت در هفته تعیین شده است که کارمندان با موافقت دستگاه اجرایی، می‌توانند ساعات کار خود را تا یک چهارم ساعات کار روزانه تقلیل دهند.

رد نامناسب قضات و کارکنان مهم‌ترین انتقاد مردمی از رئیس قوه قضائیه است

مرکز خدمات الکترونیک 129 قوه قضائیه گفت: اغلب شکایات‌ها و انتقادات مردمی که به صورت سی‌دی در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار می‌دهد، در ارتباط با برخورد نامناسب قضات و کارکنان دستگاه قضائی است.

بهرامی در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر افزود: سئوالات، انتقادات و شکایات مردمی به صورت یک سی‌دی هر 10 روز یک بار بررسی و اتخاذ تصمیم در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار می‌گیرد که بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای فعالیت مرکز 129 تا کنون، عمده مسائل در ارتباط با نحوه برخورد قضات و کارکنان قوه قضائیه با مردم بوده است.

مچنین طولانی شدن زمان رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و قضائی را از دیگر انتقادات مردمی به رئیس قوه قضائیه عنوان کرد

ی تصریح کرد: علاوه بر مطرح شدن شکایات و انتقادات، مردم از عملکرد برخی از بخش‌های دستگاه قضائی نیز ابراز رضایت و قدردانی می‌کنند و خواستار تقدیر از مسئولانی در دستگاه قضائی هستند.

مرکز خدمات الکترونیک 129 قوه قضائیه به طرح برخی مسائل غیر مرتبط با دستگاه قضائی در مرکز خدمات الکترونیک 129 اشاره کرد و گفت: مشکلات مالی و بیکاری از جمله تقاضاهای مردم از رئیس قوه قضائیه است که ارتباطی به دستگاه قضائی ندارد.

ض کارمندان سازمان بهزیستی به عقد قرارداد پیمانی

بیش از ۱۲۰ نفر از کارمندان اداره بهزیستی شمیرانات روز یکشنبه از ساعت ۳۰/۷ صبح در مقابل ساختمان مجلس تجمع کرده و خواستار نی به وضعیت نابسامان شغلی خود شدند. این جمع معترض شامل روانشناسان، مددکاران، پزشکان عمومی و پرستاران بوده که مدارک تحصیلی، کارشناسی ارشد و دکترا دارند. اعتراض این جمع معترض که البته تعداد واقعی آنان - گروهی که در میان معترضین حضور نداشته اما از شرایط نابسامان شغلی رنج می‌برند- بیش از ۶۰۰ نفر است متوجه شرایط شغلی ناشی از قرارداد منعقد شده با ایشان است. در حالی که این افراد از ۱۰ سال طبق قرارداد منعقد با اداره بهزیستی شمیرانات مشغول به کار بوده‌اند از هرگونه مزایای شغلی محروم بوده و طی ۱۰ سال گذشته و نه اضافه‌کاری، بیمه، بن، اضافه‌حقوق و پاداش برای آنان منظور نشده است. به گفته نمایندگان این جمع معترض، سازمان بیمه خدمات درمانی مان تامین اجتماعی هم طی سال‌های گذشته حاضر به بیمه کردن این افراد نبوده‌اند زیرا همواره از نتیجه همکاری با سازمان بهزیستی کشور نارضایتی کرده‌اند. حداکثر میزان دریافتی این جمع معترض ۱۰۰ هزار تومان است و در واقع میزان حقوق پرداختی به این گروه بر مبنای ساعتی تعیین شده است. آنان می‌گویند که برخلاف روال معمول عقد قرارداد که شش ماه یک بار تمدید می‌شود، سازمان بهزیستی قرارداد این گروه ۸۰۰ چهار ماه یک بار تمدید کرده و تمدید هر نوبت از قرارداد منوط به اخذ امضای طرف قرارداد مبنی بر تسویه حساب یک ساله سازمان با وی بوده‌اند. هیچ یک از افراد این گروه حق فسخ قرارداد را ندارند زیرا با فسخ قرارداد متضرر می‌شوند و مدارک تحصیلی آنان که به عنوان گروه، در

اداره متبوع بایگانی شده ضبط خواهد شد. در حالی که میزان ساعت کار در قرارداد منعقد ۱۲۰ ساعت قید شده، این افراد در طول ماه بدون نندی از مرخصی یا تعطیلی رسمی ۲۱۰ ساعت کار می کنند و این درحالی است که هیچ گونه اضافه کار برای آنان منظور نشده اما کسرکار در ت پایان ماه محاسبه می شود. شنیده می شود که مسئولان سازمان بهزیستی کشور قصد لغو و فسخ تدریجی قرارداد این جمع ۶۰۰ نفره را دارند تا با ر دولت جدید و برکنار شدن احتمالی مدیران فعلی سازمان بهزیستی کشور هیچ مدرکی از این تخلف گسترده باقی نمانده و جای شکایتی برای ک از این افراد محفوظ نباشد. گفتنی است که تجمع این گروه ۱۲۰ نفره که روز یکشنبه تا ساعت ۱۷ در مقابل مجلس شورای اسلامی به طول کشید، صدور مجوز حضور این افراد در مجلس و استمداد از نمایندگان مجلس به پایان رسید و «علیرضا محجوب» نماینده مجلس و دبیرکل خانه کارگر ت وگو با معترضان قول رسیدگی جدی به مشکل آنان و رفع تخلفات ناظر بر این قرارداد را داد

به قضات استان خوزستان

ده شده که قضات استان خوزستان راحت و بیخیال از حقوق شاکی یا متشاکی پرونده گذشته ویراحتی آنرا کم و زیاد میکنند. ی از این شعبات حتی شاکی بودن نیز جرم تلقی شده و مورد بی توجهی قاضی مربوطه میگردد. دادگاههای استان هم که دیگر سنگ تمام اند.....واین قصه سر دراز دارد

پرسش روز

ن متاهل شاغل

ن: ۳۲ سال

غل و درآمد: کارمند - ۱۲۰ هزار تومان

ا درست است که زنان شاغل، درآمد خود را از درآمد همسرشان تفکیک کنند؟-۱

ا فقی است. در بسیاری موارد مرد خود پیشنهاد پس انداز کامل حقوق همسرش را می دهد. ولی اگر حقوق مرد جوابگویی هزینه ها نباشد، درآمد ن به کمک اقتصاد خانواده می آید

نر از هزینه های خانواده توسط شما پرداخت می شود؟-۲

بی از آن را خرج خانه و مابقی را پس انداز می کنم

نر از درآمد خود را خرج خودتان می کنید؟-۳

بلغ ناچیزی حدود ۱۰ هزار تومان در ماه را خرج شخصی خود می کنم

زینه رفت و آمد شما به محل کار چقدر می شود؟-۴

ا سرویس اداره رفت و آمد می کنم و هزینه ای ندارم

ان ترین هدیه ای که برای همسرتان خریده اید چیست؟-۵

ت و شلوار به مبلغ یکصد هزار تومان

ان ترین هدیه ای که او برای شما خریده ، چیست؟-۶

ک گردنبند طلا به ارزش سیصد هزار تومان

ر درآمندان دو برابر شود چه می کنید؟-۷

ه وضع خورد و خوراک و پوشاک خانواده بیشتر می رسم

ر ده برابر شود چه می کنید؟-۸

س انداز می کنم بلکه بتوانم قطعه زمینی بخرم

ر می کنید هزینه مربوط به فرزندان بیشتر باشد یا هزینه برگزاری میهمانی و خریدن هدایا برای نزدیکان؟-۹

ن روزها با توجه به شرایط مالی نامناسب، از میهمانی های سنگین و همین طور هدایای آنچنانی خبری نیست. اما هزینه فرزندان به خصوص حصل ها خیلی بالاست

ر همسرتان بگوید کار نکن چه واکنشی نشان خواهید داد؟-۱۰

ردم ترجیح می دهم کار نکنم و به امورات بچه ها و مدرسه آنها بیشتر رسیدگی کنم. اما چه کنم که هزینه ها کمر شکن است و همین درآمد کم، هرحال قدری مشکل گشااست

رکزی برای آموزش قضات و آشنایی آنها با جرایم رایانه‌ای در کشور ایجاد نشده است

صادق آل محمد، وکیل دادگستری، درگفت و گو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به مطلب فوق، اظهار داشت: قضات موجود اطلاعات کلی و حقوقی داشته و هیچ‌کدام متخصص در حوزه خاصی یم رایانه‌ای نیستند، با اشاره به فقدان مراکز تربیت قضات در رشته‌های خاص، افزود: هنوز قانونی به عنوان جرایم رایانه‌ای به تضمین و تصویب نرسیده که قضات را ملزم به رعایت آن کند، راه به این که تطبیق هر چه سریع‌تر قوانین با جرایمی مانند جرایم رایانه‌ای ضروری است، گفت: در حال حاضر دادگستری مکلف به رسیدگی به هر نوع جرمی از جمله جرایم رایانه‌ای و وده و براساس کلیات حقوق کیفری، علی‌رغم خلاء قانونی، حکم صادر کرده است. خاطر نشان کرد: ضمانت اجرایی این قانون باید از طریق کارشناسی و مطالعه تطبیقی با سایر کشورها به صورت مدون و روشن و توسط قوه مقننه تصویب شده و قانون مصوب در اختیار قضایی قرار گیرد.

ناه کوروش تهران آخرین نفس‌ها را می‌کشد و بزودی به عمر آن پایان داده می‌شود. قفسه‌های آن خالی شده و دیگر مشتری نیست. همین روزها نام بعد از انقلاب را هم از سر در آن پائین خواهند آورد. بعد از انقلاب نام آن را گذاشتند "قدس"! چه می‌کند؟ قدس یا کوروش؟ نام‌ها می‌آیند و می‌روند، یادهاست که می‌ماند.

ناه کوروش، دومین فروشگاه بزرگ تهران بود که به سبک اروپا در تهران ساخته شد. اولین فروشگاه بزرگ تهران که رای دیدن پله برقی آن سرو دست می‌شکستند اما از رفتن روی آن خیلی‌ها می‌ترسیدند "فروشگاه فردوسی" بود. آغاز دهه 30 و اول دهه 40. فروشگاه کوروش روی دست فردوسی بلند شد.

ر خیابان فردوسی همسایه دو بانگ رهنی و ملی ایران بود و دومی در خیابان ولی عصر (پهلوی سابق) تاسیس شد. برای بار غذاهای بسته بندی شده در همین فروشگاه به تهران آمد و دختران جوان در اونیفرم‌های یکدست و خوش دولت فروشنده

ب صاحبان این فروشگاه‌ها که بعد زاد و ولد هم کرده بودند فرار را برقرار ترجیح دادند و بنیاد مستضعفان روی آنها نه دست گذاشت که روی بسیاری کارخانه‌ها و تاسیسات دیگر. در حقیقت بنیاد پهلوی شد بنیاد مستضعفان و البته بسیار آن تر و ثروتمندتر از بنیاد پهلوی. حتی هنوز آیت الله خمینی درحیات بود که فریاد تبدیل بنیاد مستضعفان به بنیاد آن بلند شد اما سرو صداها را خواباندند تا در جمهوری دومی که پس از وی شکل گرفت بدون حجب و حیا نه این بنیاد که ی دوقلوی دیگری هم با همان مشخصات مستکبری برپا کنند. همین بنیادها اکنون اقتصاد جمهوری اسلامی را چهارمیخه ار دارند.

ان جنگ با عراق قسمت‌هایی از فروشگاه خالی بود. پس از جنگ بتدریج هرگوشه از طبقات فروشگاه را اجاره دادند به تجار و سرمایه داران نوکیسه در جمهوری اسلامی و فروشگاه قدس پرشد. فروشگاه پر شد اما دیگر آن فروشگاه منظمی ش "کوروش" بود نبود. از شکل و فرم افتاد و باب طبع و سلیقه صاحبان سراهای بازار تهران شد. کوپن‌ها را اینجا می‌شد ن تبدیل کرد و بتدریج هم شد مرکز تبدیل کوپن به پول و شد بازار مکاره. تهران ورم کرده از جمعیت را می‌شد در ناه کوروش و یا قدس جدید دید که چگونه متورم تر می‌شود. روی پله‌های برقی جا برای بالا رفتن نبود و اغلب روزها چند از کار می‌افتاد. کشش این جمعیت را نداشت.

یش آن را بستند اما نگفتند که برای همیشه بسته می‌شود. گفتند می‌خواهند تعمیرش کنند. مثل همه امور دیگر، بستن و باز فروشگاه هم یک خبر امنیتی شد و پنهان از مردم. کار تعمیر تمام شد، اما پس از تعمیر همه یکباره دیدند این محل دیگر ناه قدس نیست و برای کار دیگری تجدید بنا شده است.

ی که روزها چند ساعتی درفروشگاه چرخ می‌زند به من گفت: چیزی نشده! این را هم باید می‌خوردند!

کس و کسانی فروختند؟

می‌خواهند بکنند؟

کارمندان بیکار شده اش چه آمده است؟

مارمند باقی مانده فروشگاه فقط می‌گوید:

خرید می‌شوند.

پنی را که از مادرم گرفته بودم تا تبدیل به جنس کنم نشانش دادم و گفتم با اینها چه باید کرد؟

قفسه‌ای که در آنها تعدادی شیشه ترشی و کنسرو تاریخ گذشته ولو بود کرد و گفت:

می‌توانی بخری!

چه مانده بخرید.

نی را در چهره ام دید و به رسم یادگار چند کیسه با مارک "فروشگاه قدس" را مقابل گذاشت و گفت: اینها را می‌توانی با خودت ببری.

گی به تخلفات قضات

جمال کریمی راد سخنگوی قوه قضاییه (وزیر فعلی دادگستری که نمیدانم جمع دو پست از قوای ه و قضاییه چگونه قابل جمع اند) گفته اند (92% شکایات از قضات منجر به قرار منع پیگرد یک درصد از شکایات بدون امضاء و یا بی پایه و اساس شناخته شده و 2 درصد شکایتها به ی تعقیب و در مجموع 4 تا 5/4 درصد شکایات منجر به صدور کیفرخواست منتهی شده است)

ات سخنگوی قوه قضاییه از ابعاد مختلف در خور دقت و امان نظر و تحقیق و بررسی میباشد .
1- آن 2% شکایاتی که منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب شده اگر صدور قرار بلحاظ شمول مرور زمان بوده ، نحوه رسیدگی و تطویل دادرسی شایسته تقدیر و قدردانی نبوده بلکه این قضات باید مورد پرسش و تعقیب قرار گیرند .

2- آن قسمت از 92% پرونده های منع پیگردی با 4 تا 5/4 پرونده های کیفرخواستی دو طرف معادله ایست که امکان تحقیق و بررسی را فراهم مینماید ، چه اولاد در بین دستگاههای حکومتی و ادارات تابع قوه قضاییه ، همیشه دادگستری موجب بالاترین سطح نارضایتی مردم بوده و این امر گهگاهی بصورت رسمی یا نیمه رسمی اعلام گردیده است ثانیاً تحقیق از مراجعین دادگستری میزان نارضایتی مردم از قوه قضاییه را بخوبی نشان میدهد ثالثاً بیش از 15 سال است که دادرسی انتظامی قضات و دادگاه انتظامی قضات ، با حجم وسیعی از شکایات مردم از قضات ، روبرو بوده که در زمان ریاست حجه الاسلام آل اسحاق بر دادرسی انتظامی قضات ، دادیاران دادرسی انتظامی علی المقذور نسبت به رسیدگی به پرونده ها دقت لازم را معمول داشته و تعدادی از قضات متخلف و جسور از طرف این دادرسی تحت تعقیب و کیفرخواست قرار گرفتند ، اما بعد از انتقال ایشان به دیوانعالی کشور و انتقال و استعفای بعضی از قضات شجاع و شهیر ، این دادرسی نتوانست آن طور که شایسته و شؤونات این شغل ایجاب مینمود در مقابل قضات متخلف ایستادگی کند ، آن کیفرخواست ها ظاهراً به بوته اجمال سپرده شده و دیگر تعقیب نگردید ، تا جائیکه در مسئله وبلاگ نویسها جناب کریمی راد فرمودند که قضات مرتکب تخلف و قصور شده بودند و البته مقصود از قصور و تخلف آن شکنجه های معروف و سلولهای انفرادی که به سوئیت تعبیر گردید و ساختن پرونده ها غیرمرتبط با اتهامات وارده و ورود به احوال شخصی متهمین علیرغم ممنوعیت قانونی بوده که از طرف سخنگوی قوه قضاییه به تخلف و قصور تعبیر گردید و شنیده نشد دادستان محترم دادرسی انتظامی وقت ، کیفرخواستی علیه این قضات متخلف صادر کرده باشند. رابعا از آنهمه بحرانی که بقول جناب خاتمی هر 9 روز برای دولت قبلی ساخته شد و این بحرانیها عموماً از طرف قوه قضاییه ساخته و پرداخته میگردد ، و قضات رسیدگی کننده به پرونده های کنفرانس برلین ، نوارسازان ، موج دستگیری وکلاء شاخص ، رسیدگی به پرونده های قتل های زنجیره ای ، رسیدگی به پرونده قاتلین قتلهای زنجیره ای ، توقیف غیرقانونی بیش از صد روزنامه ، رسیدگی به پرونده مهاجمین بکوی دانشگاه ، احضار و تعقیب نمایندگان مجلس ششم در راستای ایفای وظایف نمایندگی علیرغم ممنوعیت تعقیب و استناد بقانون منسوخه اقدامات تامینی و تربیتی که مخصوص مجرمان خطرناک و قوادهای باندهای فحشاء بود نه اهل علم و ادب و فرهنگ و دهها پرونده جرایم سیاسی و مطبوعاتی و عادی که صدها بار حقوق اساسی مردم از طرف قضات نقض و پایمال شده که ناچار منجر به بخشنامه پانزده ماده ای ریاست قوه قضاییه و ماده واحده قانون احترام به حقوق شهروندی گردید ، کدام یک از

قضات متخلف تحت تعقیب دادرسی انتظامی قضات قرار گرفت تا بتوان آینده ای روشنی بر این دستگاه نظارتی مهم و حیاتی تصویر نمود؟ برای اینکه از مسایل و مصایب روزمره مردم سخن گفته باشیم ناچار به ذکر مثالهایی هستیم که دادیار محترم دادرسی تحت ریاست شما قرار منع پیگرد چند قاضی متخلف را صادر نمود. فردی دو دستگاه آپارتمان خود را به خریداری فروخته بعد از یکسال فروشنده، همان دو دستگاه آپارتمان را به ثالثی میفروشد آیا بر طبق قانون انتقال مال غیر مصوب 1308 این فعل مجرمانه، فروش مال غیر نیست؟ آیا این عمل متقلبانه فروشنده که خود را مالک معرفی و به خریدار دوم فروخته از مصادیق بارز فروش مال غیر و یا کلاهبرداری نیست؟ اما باز پرس و دادستان و رئیس دادگاه و رئیس دادگستری شهریار به صراحت میگویند ما این عمل را جرم نمیدانیم اگر این فروش بموجب سند رسمی انجام پذیرفته بود آنرا فروش مال غیر میگرفتیم؟! به آنها میگویم برابر ماده 117 قانون ثبت این فعل اگر بموجب سند رسمی باشد معامله معارض بوده و مجازات شدیدتری دارد. ظاهراً از این ماده اطلاعی ندارند به دادرسی انتظامی قضات شکایت میشود، پرونده به دادیار (ع) ارجاع میگردد یکی از دادیاران شریف آن دادسرا به نگارنده میگوید با ارجاع پرونده به این دادیار فاتحه پرونده ات را بخوان! میگویم چرا دلیلش را میگوید! عرق سرد بر پیشانی می نشیند. جناب آقای کریمی راد این همه از جمله مواردیست که در زمان ریاست حضرتعالی بر دادرسی انتظامی قضات قرار منع پیگرد چهار قاضی متخلف صادر گردید.

جناب کریمی راد! خدا را در نظر بگیرید و پرونده مجتبی سمیع نژاد را مطالبه و مورد مطالعه دهید اگر از اعمال خلاف قاضی مقدس و باز پرس مجتمع ارشاد و مامورین انتظامی بغض گلویتان رفت! و از اینهمه ظلم و ستمی که بر یک وبلاگ نویس دانشجو شده متاثر نشدید! تمام ادعاهای را پس میگیرم! دادرسی انتظامی قضات کجا پرونده سمیع نژاد را مطالبه و مورد رسیدگی قرار

قوه قضاییه تصمیم گرفتید جهت کمک به وضع معیشتی قضات بر مبنای پرونده های مختومه در ای انتظامی قضات به دادیاران اضافه کار پرداخت نمایند. آیا رسیدگیهای شتابزده نود و دو دی فوق بلحاظ این عمل غیر کارشناسانه نبوده که بعضی از قضات از جمله دادیار (ع) از این سوء استفاده، و با سرعتی حیرت انگیز پرونده ها را با قرار منع پیگرد مختومه کرده و شما آمار ارائه میدهید!!!

کریمی راد جنابعالی بخوبی میدانید، آماري که اعلام نمودید نشان تعادل و عدالت و رسیدگی بانه و عادلانه در دادگستری نیست! پس چه ضرورتی دارد در حالیکه مردم از اعمال قوه قضاییه آمده اند، آمار فوق را به مردم بیچاره و بجان آمده نشان دهیم! آیا ترور سه قاضی نمیتواند توسط ی انجام پذیرفته باشد که بزعم آنها از طرف دستگاه قضایی ظلم و ستمی دیده اند. خدا میداند ات شما درباره همکار محترم عبدالفتاح سلطانی صحیح نبوده و با اظهارات باز پرس محترم این ه که در حضور 7 نفر وکیل ایشان اظهار داشت شدت متغایر است و نیز سلاهست آقای ماشاء الله الواعظین در اجرای حکمی خلاف قانون زندان و آزاد شده اما وثیقه ملکی وی و نیز وثیقه ملکی رجبعلی مزروعی که قرار قبول وثیقه آن صادر هم نگردیده بود آزاد نمیگردد مراجعات به قضات ل پرونده تابحال ثمری نداشته و این توقیف غیرقانونی ملک هنوز ادامه دارد. جناب کریمی راد! ه دادرسی انتظامی قضات شکایت بریم یا پرونده ها نزد شما خواهد ماند و یا قرار منع پیگرد متخلف صادر خواهد شد! راستی به کجا شکایت کنیم!!!

ضاییه مستقل احتیاج به دستگاههای نظارتی مستقل و قوی دارد. بهوش باشیم و دستگاههای قوه قضاییه را قوی و کارآمد سازیم.

اقلیما: هیچگاه به ریشه آسیبهای اجتماعی نپرداخته ایم

خبرگزاری فارس: آسیبهای اجتماعی ریشه در فقر، بیکاری، متناسب نبودن درآمد مردم با هزینهها و تورم، نبود امنیت شغلی و بی توجهی مسئولان به برنامه ریزی همه جانبه برای کنترل آسیبهای اجتماعی دارد و متأسفانه برنامه ریزان کشور به جای نگاه ریشه‌ای به این مسئله دائماً به پاک کردن صورت مسئله می‌پردازند.



مصطفی اقلیما، رئیس انجمن عملی مددکاری اجتماعی با اعلام این مطالب در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی فارس، گفت: در زمان حاضر برای کنترل آسیبهای اجتماعی سازمان بهزیستی به عنوان بهترین ارگان مسئول در کشور فعال است، وزارت رفاه هم چند سالی است در این زمینه وارد شده اما مسئله این است که آسیبهای اجتماعی زائیده بیکاری انبوه جوانان، اخراج گسترده پرسنل سازمانهای دیگر، متناسب نبودن حقوق شاغلان با هزینه‌های آنها و اجرای غلط قوانین اقتصادی است. وی ادامه داد: وقتی حداقل حقوق کارکنان دولت 150 هزار تومان است و بر اساس خط فقر واقعی همه کارکنان دولت زیر خط فقر زندگی می‌کنند باید انتظار روز افزون طلاق، اعتیاد، دختران فراری و زنان خیابانی را هم داشته

باشیم.

وی گفت: آسیبهای اجتماعی ریشه در تناسب نداشتن درآمد مردم با هزینه‌های آنها دارد به عنوان مثال اگر بنزین را که ارز انترین کالا در کشور است مقیاس قرار دهیم، قیمت بنزین طی 30 سال گذشته از 5 ریال به 800 ریال رسیده است یعنی 160 برابر شده است در حالی که درآمد یک کارمند طی این مدت از 4 هزار تومان به 150 هزار تومان رسیده است یعنی حدود 35 برابر شده است بنابراین افزایش درآمد مردم در این مدت هیچ تناسبی با افزایش هزینه‌ها نداشته است و ریشه افزایش آسیبهای اجتماعی نیز همین جاست.

وی افزود: بیشتر آسیبهای اجتماعی طی سالهای متمادی به وجود آمده تا به این وضع رسیده‌اند بنابراین برای کنترل و از بین بردن آنها نیز به زمانی معادل همین مدت نیاز داریم، اعتیاد که حداقل به شیوه جدید آن 50 سال سابقه دارد برای رفع آن نیز باید برنامه 50 ساله داشته باشیم.

اقلیما گفت: در مورد بیکاری نیز گفته می‌شود حدود 7 میلیون بیکار داریم و هر سال نیز حدود 700 نفر به جمعیت بیکاران اضافه می‌شود، قطعاً دولت نمی‌تواند، این میزان شغل را در کوتاه مدت ایجاد کند بنابراین باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که حداقل به میزان بیکاران جدید شغل ایجاد شود تا حداقل در وضع موجود بمانیم و تلاش کنیم درصدی از بیکاران قبلی را به چرخه اشتغال وارد کنیم.

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی افزود: در کنار این مسائل که همگی برای پیشگیری از بروز آسیبهای اجتماعی است باید برای کنترل آسیبهایی که به وجود می‌آیند نیز برنامه ریزی داشته باشیم و بودجه کافی بر آن در نظر بگیریم، در حالی که بودجه‌ها با میزان آسیبهای اجتماعی متناسب نیست به عنوان مثال هر سال برای ساماندهی حدود 5 هزار دختر خیابانی به بهزیستی اعتبار داده می‌شود ولی در عمل این سازمان با حدود 25 هزار دختر فراری مواجه می‌شود و مسلم است که بهزیستی نمی‌تواند به طور کامل به کنترل این پدیده بپردازد این کارشناس مسائل اجتماعی اضافه کرد: در مورد ازدواج و طلاق نیز مدتی است تبلیغات زیادی برای ازدواج با استفاده از وام‌های یک میلیون تومانی می‌شود در حالی که در همه جای دنیا زمانی فردی ازدواج می‌کند که بتواند با توجه به داشتن شغل پایدار مخارج خودش و یک نفر دیگر را بپردازد و هیچ جای دنیا کسی با وام دو میلیون تومانی ازدواج نمی‌کند چنین پدیده‌ای فقط آمار طلاق و آسیبهای اجتماعی ناشی از آن را در جامعه افزایش می‌دهد.

طبرزدی به هاشمی شاهرودی: قاضی به نام تعزیر حکم شکنجه صادر می کند

۲ مرداد ۱۳۸۴ - ۱۹ اوت ۲۰۰۵

قوه قضائیه جمهوری اسلامی - آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی

با گزیده‌هایی از «گزارش نقض حقوق شهروندی یه رئیس قوه قضائیه از سوی رئیس کل دادگستری تهران» که بخش‌هایی از این گزارش در دولتی ایران (یکشنبه - دوم مردادماه ۱۳۸۴-) درج گردید شروع میکنم؛ با ذکر این موارد از گزارش ز چشم بند، ضرب و شتم متهمان، تعیین تکلیف نشدن متهمان و طولانی شدن مدت تحقیقات... بلا تکلیف بودن ۱۴۰۰ زندانی در یکی از زندان‌ها «ش تهیه شده از سوی هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، گزارش بازرسی از بازداشتگاه آگاهی تهران، بازداشتگاه سازمان حفاظت... نت ارتش بازداشتگاه املان، بازداشتگاه حفاظت و اطلاعات وزارت دفاع موسوم به ۶۴ بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، زندان رجائی‌دشتگاه حفاظت و اطلاعات سپاه، بازداشتگاه اطلاعات سپاه، بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات زندان اوین، بازداشتگاه آگاهی در شهری، ستاد مبارزه با تروریسم... از دادگاه انقلاب اسلامی تهران و داندسرای ناحیه ۷ انقلاب ذکر شده است. که در آن از وجود بارز نقض حقوق شهروندی خبر داده شده است، مذکور افراد متخلف را شناسایی و با برخی از آنها برخورد کرده است... در صحبت‌های فرمانده نیروی انتظامی تلویحا اقرار به ضرب و شتم شده کدام آئین آمده است که یک زن را این قدر مورد ضرب و شتم قرار دهند... ما به قاضی خودمان اشکال داریم، متأسفانه قاضی در اختیار نیروی است، قاضی ما نباید ابزار وزارت یا حفاظت قرار گیرد به طوری که این هیات به بازداشتگاه اطلاعات سپاه مراجعه کرده اما این بازداشتگاه از راه خود داری کرده است. و مطرح شده که حتی اگر مقام بالاتر از شما هم بیاید او را راه نمی‌دهیم... مسئولان این بازداشتگاه خود را وری هر قانون... در بازداشتگاه‌های حفاظت و اطلاعات تعارض در مدیریت وجود دارد و هر چه کارشناسان خودشان میگویند، عمل می‌کنند... تبعیض آشکار در دان نیز از جمله موارد تخلف ذکر شده است... این گزارش به شمار خودکشی زنان زندانی در زندان رجائی شهر اشاره کرده... ماموران سپاه و باید زندانبان باشند... در جریان بازدید هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی متهمانی وجود داشته‌اند که طی ۸ یا ۹ ماه در فضای کمتر از بازداشت شده بودند... علیرغم تمام تاکیدات قانونی بر ممنوعیت شکنجه، گزارش تهیه شده از سوی هیات وجود شکنجه و انفرادی را در بازداشتگاه... همچنین در این گزارش عنوان شده که هیات نظارت بر حفظ حقوق شهروندی خواستار آن شده است که مواردی از احتمال تعرض به دختران و داشت شده زندانی مورد بررسی قرار گیرد... در بخش‌های پایانی گزارش آورده شده که در حال حاضر سیاست نیروی انتظامی مقابله با دستگاه‌های است

بالا نه از طرف آمریکا و نه از سوی اسرائیل و نه از جانب ما گفته شده تا مسئولین جمهوری اسلامی فریاد برآورند که اینها تبلیغات دشمن برای اسلام و روحانیت است!! اینها قطره‌ای از دریای نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی است که توسط مسئولین قوه قضائیه ی همین جمهوری تهیه و به صورت گزینشی در اختیار رسانه‌ها قرار داده شده است

نایق به اندازه‌ای روشن و گزنده است که انسان از سخن گفتن درباره آنها باز می‌ماند. گویا این حقایق تلخ، همچون پتک بر سر ما فرود آمده و ما را شوک عمیق فرو می‌برد. از کجا بگوییم و درباره‌ی کدامیک زبان به سخن بگشاییم؟ به راستی در مقابل این وقایع تلخ و عریان چه باید کرد؟ بیان

م تکان دهنده اگر چه بسیار دیر و در عین حال ناقص، موید افشاگری های ما در طول چند سال گذشته است. من به عنوان فردی که از سال ۱۳۷۳ با زداشتگاه و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی سرو کار داشته ام، گزارش مذکور را با همه وجود لمس می کنم. هر بار که دستگیر و به یکی از این نقل شدم، پس از آزادی فریاد برآوردم، اما گوش شنوایی نبود. ۱۰۰ روز را در شکنجه گاه توحید گذراندم، جمعا ۲۱۰ روز را در انفرادی های ۲۰۹ اطلاعات سپری کردم، ۲۷۰ روز را در همین سلول های یک متری باز داشت گاه عشرت آباد سپاه گذراندم، حدود ۲۰ روز در بازداشتگاه حفاظت نت وزارت دفاع (زندان ۶۴) بوده ام، ۲۱۰ روز را در بازداشتگاه اطلاعات سپاه (یعنی همین جایی که مسئولین قوه ی قضاییه را به درون آن راه ،واقع در زندان اوین) در سلول انفرادی به سیر و سلوک پرداخته ام! ۳ روز در بازداشت گاه نیروی انتظامی بوده ام. انفرادی، چشم بند، بازجویی و وسطایی همراه با تفتیش عقاید و شکنجه های روحی از وجوه مشترک همه این بازداشتگاهها بود با لاخره در سال ۱۳۸۲ پس از یک دوره ، غذا، من را به بند عمومی منتقل نمودند. در همه این مدت از سال ۱۳۷۸ بلا تکلیف بوده ام. ولی پرسش من از حضرت آقای شاهرودی این است که از ۶ سال ریاست بر قوه قضائیه اقدام به چنین کاری نموده اند؟ آیا در تمام این مدت فریاد شکنجه شده گان و مظلومان به گوش او نرسید؟ ۶ سال زمان ت تا این فریاد ها را بشنود؟ فراموش نمی کنم که خبر ریاست آقای شاهرودی بر قوه قضائیه را از طریق بازجوهایم در شکنجه گاه توحید، در ۱۳۷۸ شنیدم. در این دوره ۶ ساله چه چیزهایی که در بازداشتگاه های جمهوری اسلامی ندیدم! اینک که این گزارش را در زندان اوین می خوانم، بیاد نجه ها و شکنجه دیده گان در سالهای گذشته افتاده ام. در این مدت هرگاه فریاد برآوردم سرکوب شدید. جواب اعتراض را با زندان و انفرادی و شکنجه بل اینکه در سال ۱۳۸۰ نامه ای تحت عنوان «علی شکنجه گاه نداشت» منتشر کردم، ۹ ماه در انفرادی افتادم. این گزارش قوه قضائیه من را بیاد میخ محمد یزدی رئیس سابق قوه قضائیه انداخت که همواره ادعا میکرد «دستگاه قضائی جمهوری اسلامی بی نظیر است» در این گزارش آمده است ی نباید در اختیار نیروی انتظامی یا وزارت اطلاعات یا حفاظت و اطلاعات باشد. این همان چیزی است که در طول سالیان گذشته با چشم خود دیدم نس برآوردم، اما گوش شنوا؟! من به همین دلیل حاضر نشدم دادگاه های انقلاب را به رسمیت بشناسم و به همین دلیل در محاکم آنها شرکت

من از حضرت آقای شاهرودی این است که چرا به وضعیت دادگاه انقلاب نپرداخته اند! آیا تردید دارند که عامل اصلی همه این مظالم قوه قضائیه، از گاه انقلاب است؟ زیرا این قاضی است که بنام «تعزیر» حکم شکنجه صادر میکند. این قاضی است که با یک ورق پاره به دستگاه امنیتی - انتظامی - بین مجوز را میدهد که به حریم خصوصی شهروندان تجاوز کنند. این قاضی است که به هر کس و ناکس این اجازه را میدهد که بمنزل و محل کار دان یورش مسلحانه برده و اموال آنها را به غارت برده یا در بین اعضای خانواده ایجاد رعب و وحشت نمایند. این قاضی است که به دستگاه امنیتی گهداری شهروند بی چاره برای مدتهای طولانی در سلول های یک متری را می دهد. عامل اصلی همه این مظالم فردی جز شخص قاضی نیست. اینها ی است که برای خود من و دوستانم اتفاق افتاده است. نه افسانه است و نه گزافیه. نیروهای امنیتی - نظامی در این چند سال گذشته با حکم قضائی چون حداد و مقنسی، هر آنچه خواستند با من خانواده ام، دوستانم و اموال کرده می کنند. اموال را به غارت برده و هنوز برنگردانده اند. در بین اعضای به کرات و شب نیمه شب رعب و وحشت ایجاد کرده و فرزند نام را با چشمان بسته در انفرادی انداختند، خودم را برای مدت های طولانی در سلول و زیر شدیدترین شکنجه های روحی نگه داشتند و پس از آن جمعا ۲۴ سال حبس و محرومیت اجتماعی برایم صادر کردند که البته مقرر کرده بودند مال حبس را در زندان برازجان سپری کنم. در دادگاه تجدید نظر، لطف کرده، تبعید را حذف و ۱۴ سال را به ۱۲ سال تقلیل داده و تاریخ آزادی ام را ده اند. یعنی ۲ سال سلول انفرادی را نیز به حساب نیاوردند، در حالیکه خودشان گفته بودند، رهبر گفته است هر یک روز انفرادی معادل ۱/۴/۱۳۹۴ دان عادی است ۱۰

به صورت غیابی و در شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب و بر اساس همان بازجویی هایی که در سلول انفرادی گرفته شده یا گزارش هایی که وزارت اطلا پناه تهیه نموده اند، صادر شده است. متن احکام و گردشکار دادگاه بدوی و تجدید نظر پیوست این نامه است تا خود به خوبی دریابید که جنایت قضات نلاب از جنایت باز جوها و زندانبان هاو شکنجه گاهها کمتر نیست. به راستی من چه کرده ام که مستوجب این همه شکنجه و عذاب باشم؟ آدم گشته ام ر مردم بالا رفته ام؟ اسناد و مدارک سری مملکت را در اختیار بیگانه قرار داده ام؟! جرم من این است که همین چیزهایی که در گزارش آقای آمده است را افشا کرده ام. جرم من این است که شکنجه، انفرادی، بازجویی غیرقانونی، دادگاه غیر علنی و نا عادلانه را تقبیح کرده ام. من بیش از فا به این دلیل در سلولهای انفرادی سپاه در زندان عشرت آباد و ۵۰۰ اوین (یعنی همانجائی که نمایندگان شما را راه نداده اند) با پاسدار بازجوها ۵/۱۷ پنجه نرم می کردم که آنها مدعی بودند که ضابط قوه قضائیه اند و من در جواب میگویم که آنان نظامی اند و حق دخالت در این مسائل را ندارند. البته کرده و به آنها بازجویی پس ندادم

من این است که چرا دیر؟! چرا از قضات دادگاه انقلاب نگفته اید؟ نکند دستگاه مدیریت قوه قضائیه از دادگاه انقلاب ترس دارند؟ این بوده است که جنایات بازجوها، زندانبان ها، قضات و همه کسانی که حقوق مردم را زیر پا گذاشته اند را بر ملا کرده ام. جرم من این است که گفته بن ظلم نکنند. دین را از حکومت جدا کنند، تا مردم به حقوق خود برسند. دین را از حکومت جدا کنند تا بنام دین به زنان و دختران زندانی تجاوز بن را از حکومت جدا کنند تا بنام دین شکنجه و سرکوب نکنند. آیا اینها جرم است؟

ب به رهبر جمهوری اسلامی گفته و میگویم، یا ایشان از این همه مظالم در دستگاه امنیتی - نظامی، انتظامی و قضائی آگاه نیستند یا آگاه زدر این ۱۶-۱۵ سالی که در موضع رهبری بوده اند از این شکنجه ها، مظالم، تجاوزها و جنایات اطلاع نداشته اند، پس صلاحیت رهبری مطابق ون اساسی را نخواهند داشت. چون تدبیر، آگاهی و مدیریت، از شرایط اولیه رهبری است. چنانچه از این شکنجه ها آگاهی داشته اما سکوت کرده اند صورت نیز فاقد عدالت خواهند بود

این مسائل جرم است؟! اگر رهبر مطابق با قانون اساسی به وظایف خود عمل می کرد یا صلاحیت رهبری را میداشت، نمی بایست بنام دین و انقلاب، م و جنایت در دستگاه امنیتی - قضائی به وجود می آمد. من از شما آقای شاهرودی به دلیل این که قطره ای از مظالم را افشا کردید، سپاسگذارم. بیان این وقایع تلخ در شرایطی که برخی سران حکومت مدعی اند حکومت «علی» را برپا داشته اند، نیازمند شجاعت است. کسانی که بر سر امریکا کنجه در زندان «گوانتانامو» و «ابو غریب» فریاد برمی آورند اما حاضر به پذیرش شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی نیستند، مسئول این

ش آمده است که ماموران سپاه خود را مافوق قانون دانسته و یا اینکه نیروی انتظامی قصد مقابله با قوه ی قضائیه را دارد. جالب این است که هر سه ها زیر نظر رهبری است. شاید برخی بر این گمان باشند که نیروی نظامی- انتظامی بر خلاف نظر رهبر اقدام به قانون شکنی می کنند، من چنین دارم. آیت الله خامنه ای چندسالی است که امور کشور را در اختیار نظامیان قرار داده است. او دست نظامیان را باز گذاشته تا بازداشتگاه فرا قانونی دهند، به سرکوب جوانان و دانشجویان بپردازند، در انتخابات دخالت کنند و مطبوعات را سرکوب نمایند. مطمئن هستم حتی اگر هاشمی شاهرودی صلاحاتی در حوزه های قضائی - امنیتی بوجود آورند به نحوی که شرایط شکنجه و سرکوب برای همیشه از این حوزه ها رخت بر بندد، با مخالفت بت الله خامنه ای از طریق سپاه و نیروی انتظامی، روبرو خواهد شد. برای اینکه اگر شکنجه و سرکوب نباشد، شرایط «النصر به الرعب» از بین

فت و در نتیجه مخالفت های مردمی بالا خواهد گرفت! آیا گفتن این حقایق جرم است؟

بد لازم میدانم از هر فرد و نهاد بدر هر سطح و موقعیت که قلمی در جهت دفاع از حقوق مردم بر می دارد، قدر دانی کنم. در بازداشتگاه ۶۴ (سال ۱۳۸۰) ر بازجوها متذکر می شدم که حتی اگر همین جمهوری اسلامی با رهبری آقایان خامنه ای، خاتمی، هاشمی شاهرودی، کروبی، و رفسنجانی (۱۳۸۰) حقوق مردم بیردازد، من از آنها حمایت خواهم کرد. زیرا برای من اهمیت ندارد، شکل حکومت جمهوری اسلامی یا جمهوری دموکراتیک و یا ه پادشاهی باشد. آنچه برای ما اهمیت دارد این است که حقوق اساسی ملت، مثل حق آزادی، انتخاب، مشارکت، رفاه، امنیت و عدالت مورد توجه برد. اگر قوه ی قضائیه و قضات مستقل بوده و احدی بر آنها نفوذ نداشته باشد، اگر کسی به دلیل اظهار بیان، عقیده، تشکیل اجتماعات، تشکیل حزب از ی مطبوعات تحت تعقیب قرار نگیرد، اگر دین و عقیده آزاد باشد، اگر حجاب و نحوه پوشش آزاد باشد، اگر در حوزه خصوصی شهروندان سورت نگیرد، اگر شکنجه سانسور و استراق سمع، ممنوع باشد، اگر رانت خواری، دزدی، فساد مالی و اداری، تبعض، فقر، بیکاری و گرانی ی جدی، قانونمند و سیستماتیک صورت بگیرد، اگر رهبر و نهادهای انتسابی فراقانونی نباشند، اگر انتخابات استصوابی نباشد، اگر سپاه و سایر، ی نظامی- انتظامی در سیاست و امور قضائی دخالت نکنند و اگر در حوزه سیاست خارجی صرفا منافع ملی و نه منافع ایدئولوژیک و صنفی و در نظر گرفته شود، تفاوتی نخواهد داشت که شکل حکومت چه باشد و حکومت گران چه کسانی باشند. ما برای اعاده حقوق اساسی ملت مبارزه میکنیم ی شاهرودی

بیان این گونه مسائل است. اگر شما بیان این مسائل را جرم میدانید و معتقد هستید که برای بیان صریح و شفاف این مطالب می بایست ۲۲ سال ت گرفت. ۲۲ سال درسول انفرادی افتاد و مدت ۱۱ سال (از سال ۱۳۷۳ و با انتشار هفته نامه پیام دانشجو) انواع فشار ها و محرومیت هارا تحمل ، به داوری شما تن خواهم داد. من دعوت به تظاهرات کرده ام، اما صراحتا و اکیدا بر رعایت قانون و پرهیز از خشونت پا فشاری نموده ام. من به زدی، رانت خواری، رشوه و اختلاس پرداخته ام، اما به کسی اهانت نکرده ام. من به تشکیل حزب و گروه مباردت ورزیده ام اما قصدی بجز خدمت رسانی به ملت و تقویت میانی واقعی امنیت، رفاه و آزادی ملی نداشته ام. من خواستار پاسخگوئی رهبر و نهادهای انتسابی و نیز معترض به رهبر و سایر نهاد های قدرت به نفع آزادی و دموکراسی بوده ام، اما به هیچ کس اهانت نکرده ام. من از تغییر حکومت دینی به نفع یک حکومت دموکرات حمایت کرده ام، اما در مبارزه از جاده قانون منحرف نشده ام. من بر علیه سرکوب و شکنجه قیام کرده ام، اما کلامی به گزاف نگفته ام. من صلح طلب، عدالت جو و دموکراسی خواه هستم

به آقای خاتمی و دستگاه دولت به دلیل آنچه در بازداشتگاه های وزارت اطلاعات میگذرد، همواره اعتراض داشته و به این جهت از موضع گیری پرهیز نموده ام. به همان اندازه که آیت الله خامنه ای بر دستگاه های انتسابی مثل سپاه، نیروی انتظامی، شورای نگهبان، قوه ی قضائیه و صدا و ثراف داشته و باید در مقابل عملکرد آنها پاسخگو باشد، آقای خاتمی نیز باید به این پرسش جواب بدهد که چرا وزارت اطلاعات هنوز از چشم بند ی کند یا زندانیان را در سلول انفرادی تحت فشار قرار میدهد؟

نضائی - امنیتی- نظامی، جمهوری اسلامی باید به دلیل ارتکاب اقدامات غیر قانونی ۱۱ سال گذشته در برخورد با من و خانواده ام پاسخگو بوده و ، پرداخت کنند. و بداند دیر یا زود زبان به اعتراض گشوده و حق خود را مطالبه خواهم کرد

خامنه ای نمی تواند همچون حاکم مطلقه و غیر پاسخگوباقی بماند. سکوت ایشان در برابر اقدامات سپاه، نیروی انتظامی و برخی قضات و ن، به معنای تأیید شکنجه و سرکوب است. سکوت ایشان در برابر وضعیت زندانیان سیاسی، به معنای تأیید عملکرد دستگاه امنیتی - قضائی در نوق بشر است. سکوت ایشان در مقابل دخالت سپاه در سیاست و به ویژه انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری به معنای تأیید این اقدامات است. مادام که بیرگان با حضور نمایندگان واقعی ملت از سیاست مداران مستقل، دانشگاهیان شجاع، کارگران، فرهنگیان، پزشکان و پرستاران، کشاورزان و دگان و متخصصان در همه ی زمینه ها و از همه ی اقوام اعم از زن و مرد و بدور از نظارت استصوابی و به دور از انحصار روحانیون تشکیل هیچ نهاد مستقلی نخواهد بود که بر کار رهبر نظارت کند. به همین دلیل وضع از این هم بدتر خواهد شد

ی آقای شاهرودی

این مسائل جرم است؟ آیا در بیان این مطالب توهینی به کسی روا داشته ام. تمام کسانی که من را از نزدیک می شناسند، حتی زندان بانان، به خوبی ند که من فردی نیستم که بخوام به دیگران توهین کنم. من اهل منطق هستم. مبارزاتم نیز قانونی، مسالمت آمیز و خیرخواهانه است. اگر مجلس خبرگان کارآمد، متشکل از نمایندگان همه لایه های اجتماعی، صنوف و اقوام باشد، قانون شکنی از بین خواهد رفت. مجلس خبرگان فعلی صنفی است.

زیر گیرنده روحانیون است. حتی یک زن در آن حضور ندارد و به این لحاظ قانون «آپارتاید جنسیتی» بر آن حاکم است. از بین روحانیون نیز تنها بق شرکت در این مجلس را دارند که شورای نگهبان منصوب رهبری تأیید کند. این مسائل موجب میشود که خبرگان رهبری از استقلال و صلاحیت خوردار نباشد. به همین میزان، نظارت بر رهبر و نهادی منصوب از سوی رهبر، تضعیف خواهد شد

، که خود را مطیع رهبر بداند، خبرگان نیست. این مسائل یعنی پیروی خبرگان از رهبر، مطابق با قوانین مدنی و حقوقی مردود است. یک امر رفاقتی، زبایی و پدر سالارانه است. شما که خود اهل علم و حقوق هستید، مطابق با حقوق شهروندی و قوانین اجتماعی، نهاد مسئولی همچون خبرگان رهبری، و رهبر باشد. بلکه رهبر باید خود را پاسخگو در مقابل آن نهاد بداند. به همین دلیل است که نهادهای منصوب از سوی رهبری، مثل سپاه، نیروی و بخشی از قوه ی قضائیه و یا شورای نگهبان، خود را مافوق قانون می دانند. آیا بیان این مسائل جرم است؟

اسلامی به دلیل همین قانون شکنی ها ضعیف شد. انقلاب به دلیل همین مظالم و مفاسد و شکنجه ها به شکست انجامید. بنابراین باید پذیرفت که قانون عدم پاسگوئی و خود را برتر از قانون به حساب آوردن، ریشه همه مفاسد اقتصادی و سیاسی است

ت آقای شاهرودی

ر شما منتشا مفاسد بزرگ مالی، حقوقی، اقتصادی، امنیتی و نظامی از ناحیه شهروندان چون من و امثال من است یا نهادها و افراد قدرت مند با فرا قانون؟ آیا شهرام جزایری ها، رفیق دوست ها، سعید امای ها و سایر مفاسدین و ظالمین را شهروندان بی پناه پرورش داده اند، یا حکام امن به ۲۲ سال زندان و محرومیت اجتماعی محکوم شده، بیش از ۲ سال است از رفتن به مرخصی نیز محروم گردیده ام، اموال را دادگاه انقلاب به رده است و امنیت خانوادگی ام سلب شده است، چون حرف زده ام. یعنی همین مظالم را افشا کرده ام. در واقع در این حکومت که حکومت عدل الهی نامید!؟ جای ظالم و مظلوم عوض شده است. برخی نهادهای قدرتمند حکومت، شکنجه، قتل، تجاوز، دزدی و سرکوب رانهاده کرده اند. قوه ی تحت ریاست شما اما، افشاگر این مظالم را محکوم میکند؟! آیا این عادلانه است؟ بنابراین این ببذیرید که ما به اصلاحات شما باور نداشته باشیم. تاوقتی ا قانون حاکم باشد وضع همین خواهد بود. البته بدین وسیله از اقدامات مثبت شما قدر دانی می کنیم

تهران- زندان اوین- بند ۳۵۰

حشمت الله طبرزدی

چهره زشت فقر

مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری نشان دادند فقرزدایی به عنوان معضلی ملموس، یکی از اصلی ترین دغدغه های آنهاست، چرا که اصلی ترین شعار رییس جمهور منتخب نیز برقراری عدالت اجتماعی بود که فقرزدایی یکی از بازوهای مهم این بحث می تواند باشد.

شاید پیش از پرداختن به موضوع فقر تعریف علمی آن اهمیت داشته باشد، چیزی که انتظار می رود توسط وزارت رفاه در دولت آتی شکل گیرد. چرا که تاکنون اکثر مدیران از ارایه این تعریف بر پایه استانداردهای جهانی و شاخصه های علمی سر باز زده اند. به زبان ساده تر باید مشخص شود که فقر چیست، فقیر کیست، چه میزانی از درآمد در مرزهای خط فقر قرار می گیرد و برای کسی که توانایی بالا آمدن از خط فقر را ندارد چه باید کرد؟ گزارش ما را در مورد فقر بخوانید



ما به نوبه خود خوشحالیم که با شکل گیری اراده مردم در انتخابات ریاست جمهوری پس از این به راحتی می توانیم از فقر و چهره زشت آن حرف بزنیم این اولین گام و اصلی ترین گام برای از بین بردن هر معضلی است، یعنی جسارت حرف زدن در مورد آن معضل و آسیب. دیگر کسی به خبرنگاران نخواهد گفت این همه از فقر ننویسید، مردم ما آنقدرها هم فقیر نیستند چون امسال عید نوروز توانستند میوه بخرند و به مسافرت بروند. دیگر کسی به گزارشگری تذکر نخواهد داد که «آقاجان سیاه نمایی نکن» همه جا گل و بلبل است. ما بیش از همه خرسندیم که لااقل می توانیم چهره زشت و کریه فقر را در آینه مطبوعات منعکس کنیم تا مدیران از یاد نبرند برای چه در این پست و مقام قرار گرفته اند و ما از یاد نبریم رسالت اصلی مان چیست و مردم از یاد نبرند اگر اراده هایشان به هم گره بخورد هر آفتی را از پیش رو بخواهند داشت، حتی آفاتی زشت تر و جان سخت تر از فقر.

فقر در اعداد و ارقام

چندی پیش یکی از صاحب نظران و اساتید دانشگاه اعلام کرد فقر اصلی در اعداد و ارقام است یعنی پژوهشگرانی که به سفارش سازمان ها و نهادهای ذی ربط دست به پژوهش هایی در مورد فقر می زنند و در نهایت اعداد و ارقام را گزارش می کنند دچار فقر اطلاعاتی هستند و یا در خوش بینانه ترین حالت مقدار قابل توجهی از ملاحظات را وارد فرایند تحقیق می نمایند چنانچه به طور رسمی در یکی-دو روش برای دست یابی به میزان خط فقر آمده است که ۵۰ تا ۶۰ درصد یافتن مفهوم فقر به ذهن محقق بستگی دارد.

در تازه ترین گزارش ها می خوانیم: «۹/۴۹ درصد کل مصرف و درآمد ایران به دو دهک بالای درآمدی این کشور که طبقه ثروتمند را شامل می شود، تعلق دارد.» این گزارش که توسط بانک جهانی ارایه شده حاکی از آن است دهک اول بالای درآمدی ایران که ده درصد جمعیت ثروتمند این کشور را شامل می شود، بیش از ۷/۳۳ درصد کل درآمد و مصرف را به خود اختصاص می دهد. این درحالی است که اولین دهک پایین درآمدی ایران شامل ده درصد فقیرترین مردم کشور می شود و تنها درصد درآمد و مصرف به این قشر تعلق می گیرد ۲

بنابراین گزارش دو دهک پایین درآمدی ایران که شامل ۲۰ درصد طبقه فقیر ایران می شود نیز تنها ۸/۵ درصد درآمد و مصرف را کسب می کنند

دهک های سوم و چهارم درآمدی ایران که در وضعیت بهتری نسبت به دهک های اول و دوم قرار دارند ۴/۹ درصد کل درآمد و مصرف، دهک های پنجم و ششم ۱/۱۴ درصد و هفتم و هشتم ۵/۲۱ درصد درآمد را به خود اختصاص می دهند

براساس گزارش بانک جهانی ۳/۷ درصد جمعیت ایران و به عبارتی ۵ میلیون نفر با کمتر از ۵۰ هزار تومان در ماه زندگی می کنند و بدتر آن که دو درصد جمعیت کشور و به عبارتی یک میلیون و چهارصد هزار نفر نیز با کمتر از ۲۵ هزار تومان در ماه می سازند

باز هم يك سوال تكراری و آن این که اساساً فقیر به چه کسی اطلاق می شود و فقیر چه کسی است؟ آیا کسی که برای قوت لایموت روزانه خود در مانده است فقط می تواند فقیر محسوب شود و یا این که يك کارمند حقوق بگیر با ۵ نفر تحت تکفل و هزار تومان درآمد ماهانه که بیش از يك سوم این درآمد را هم باید بابت اجاره مسکن بپردازد؟ ۲۵۰ یکی از اساسی ترین چالش ها در مورد تعیین خط فقر نوع نگرش به آن است؛ یعنی برخی براساس استانداردهای از پیش تعریف شده که جنبه علمی نیز به خود گرفته است، پیش می روند و بعد مصادیق فقر را در نظر می گیرند، در حالی که عده ای دیگر ابتدا زندگی فقرا را بررسی کرده، دست به مقایسه بین زندگی مردم و اختلافات طبقاتی زده و در نهایت به مفهومی نسبی از فقر می رسند؛ اما به نظر می رسد روش اول علمی تر است زیرا از ابتدا يك وضعیت مطلوب ترسیم شده همچنین وضعیت معمول و وضعیت بحرانی نیز براساس آن سنجیده می شود سپس با مراجعه به مصادیق فقر یا غنا وضعیت موجود توسط شاخصه ها و تعاریف از پیش تعیین شده سنجیده می شود. در این روش خطا کمتر به چشم می آید زیرا نسبیت و مقایسه در تحقیق به جای قواعد و چارچوب های از پیش تعیین شده نمی نشیند و این همان موضوعی است که تحت عنوان فقر اعداد و ارقام و فقر پژوهشی از آن یاد می شود که امید است در دولت آینده در اولین گام تعریف فقر و روش های پژوهشی برای دست یابی به این تعریف تغییر کند. چنانچه از همان ابتدا نیز دکتر احمدی نژاد تأکید کردند تا واژه مستضعف يك بار دیگر در فرهنگ ما زنده شود و به جای قشر آسیب پذیر بنشیند. کاظم محمودی کارشناس مسایل اجتماعی در این زمینه می گوید

این يك واقعیت تلخ است که فقر در جامعه ما بیداد می کند اما بیش از فقر حواشی این پدیده است که انسان را آزار می دهد، « مثلاً مقایسه سطح زندگی فقیران و اغنیا و یا تعاریفی که از فقر وجود دارد، پژوهش های ما نشان می دهد هر کس که در ماه هزار تومان درآمد داشته باشد فقیر نیست البته رقم دقیق پایین تر از ۵۰ هزار تومان است و این که يك خانواده ۵ نفره اگر ۵۰ ماهیانه ۲۵۰ هزار تومان کسب درآمد کنند دیگر وضعیت بدی ندارند و فقیر نیستند. حال من از شما می پرسم که يك خانواده ۵ نفره که يك دانشجو، دو دانش آموز و يك سرباز وظیفه دارد، چگونه می تواند با ماهی ۲۵۰ هزار تومان زندگی بگذراند. ۵ بنابراین تعریف های ما غلط است ما باید از سوی دیگر قضیه به این پدیده نگاه کنیم

در تعاریف جهانی آمده است که شخص باید هر ۶ ماه بتواند يك دست کت و شلوار برای خودش بخرد، مسافرت آخر هفته داشته باشد، روزی يك لیتر شیر بخورد، اجاره بهای مسکن بپردازد... و مقداری هم پس انداز داشته باشد، این يك وضعیت را قرار گیرد «NGO» عادی است. اگر فرد به آن وضعیت رسید که هیچ اگر نرسید فقیر است و باید تحت حمایت دولت و وی در مورد جابه جایی دو مفهوم مستضعف و آسیب پذیر می گوید

ما در فرهنگ ایرانی- اسلامی خود واژه های بسیار مناسبی برای توصیف پدیده ها داریم، واژه هایی که بار معنایی بالایی « دارند و به راحتی نمی شود آن ها را کنار گذاشت

همانطور که رییس جمهور منتخب هم اشاره فرمودند در اصطلاح «آسیب پذیر» بار معنایی منفی وجود دارد. یعنی این که این قشر خود آسیب را پذیرفته اند و یا به دلیل فقر مستعد پذیرش آسیب های بعدی هستند که در هر دو صورت محوریت با خود انسان هاست، انسان های فقیر و نه فقر در حالی که فقر و غنا خصیصه های عرضی هستند نه ذاتی مثل این که بگوییم انسان سفید یا سیاه که رنگ سفید و سیاه چیزی بر ماهیت انسانی افراد زیاد نمی کند و یا بالعکس کم نمی نماید

ما در فرهنگ خود واژه مستضعف را داریم، یعنی ضعیف نگه داشته شده یعنی کسی که جامعه در حق او ظلم کرده و او را فقیر نگه داشته است. در عین حال که نوعی ابروداری و حفظ ابروی انسان ها در این واژه وجود دارد. حتی اگر یادتان باشد يك زمانی در کشور ما این واژه بار معنایی بسیار مثبتی داشت و افراد با افتخار می گفتند که جزو طبقه مستضعف هستند یعنی از نظر مالی فقیرند ولی اولاً دلیل این فقر ناتوانی های ذاتی آن ها نیست و دوم این که جامعه باید تلاش کند موانع رشد «اقتصادی آن ها را از سر راه بردارد

در يك جمع بندی کلی می توان گفت ابتدا با تغییر واژه ها و سپس با تغییر تعاریف فقر می توانیم بستری آماده برای برداشتن گام های بلند در جهت فقرزدایی فراهم کنیم

توصیف وضعیت موجود
چندی پیش مدیر کل دفتر فقرزدایی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ویژگی های خانواده های فقیر و ریشه های فقر را در کشور تشریح کرد. در این اظهار نظر آمده است
افرادی که سرپرست خانوار آن ها بی سواد هستند ۳ برابر افرادی که سرپرست خانوار با سواد دارند در معرض قرار «
گرفتن زیر خط فقر هستند

فقر در خانواده های روستایی که افراد وارد تحصیلات عالی می شوند نسبت به قبل از آن ۲۵ درصد کاهش می یابد که این «وضعیت در سیاستگذاری ها بسیار مفید و کمک کننده است

در این اظهار نظر آمده است فقر با سن افراد نیز همچون تحصیلات آن ها ارتباط مستقیم دارد
در روستاها خانواده هایی که سرپرست سالمند دارند فقیرترند که این نشانگر عدم وجود پوشش های بیمه ای در این مناطق «
است. چون افراد به قدرت کارکردشان متکی هستند و به محض این که توانایی های خود را از دست می دهند دچار فقر «می شوند و اگر زمین و دارایی هم نداشته باشند این مسأله تشدید خواهد شد

متوسط سن افراد روستایی ۵۸ سال و در شهرها ۴۸ سال است که ۵۳ درصد فقرای روستاها و ۵۱ درصد فقرای شهرها سرپرست زن دارند. نجات آمینی همچنین فقر را در سه حوزه مخاطرات، قابلیت ها و فرصت ها و اقتصاد بررسی می کند
اگر در سه حوزه قابلیت ها و فرصت ها، مخاطرات و اقتصاد به درستی مدیریت نشود فقر را در جامعه ترویج داده ایم»
موضوعی که در جامعه ما در خصوص فقر ثابت شده است این است که بعضی از این حوزه ها فقر را در جامعه پایدار می کند؛ به طور مثال فردی که بی سواد است اگر در رفع بی سوادگی او تلاش نشود قطعاً او خانواده ای فقیر تشکیل خواهد داد

چون در ارتقای اجتماعی خود کمترین امکان را در اختیار خواهیم داشت و فقر به شکل موروثی ادامه پیدا خواهد کرد.» وی در ادامه عنوان می کند

ضعف نظام بیمه ای و حمایتی هم می تواند فقر را تشدید کند، یعنی اگر نظام بیمه ای نتواند به فرد مریض به خوبی فرصت دهد فرد را به فقر نزدیک خواهد کرد، به طوری که ثابت شده است در سال حدود ۳-۴ درصد جمعیت کشور دچار فقر «می شوند که اگر این نظام را اصلاح نکنیم و ناکارآمدی آن را از بین نبریم منجر به تشدید فقر خواهد شد

در نهایت اجازه دهید شهروندان هم مجالی برای توصیف وضعیت موجود از نظر فقر پیدا کنند. علی رضا مقدم شهروند تهرانی چنین توصیفی ارائه می دهد: «بسیاری از ماها با سیلی روی خودمان را سرخ می کنیم. بدبختی بزرگ این است که چندان فاصله ای هم بین کسی که کار می کند و کسی که کار ندارد نیست. آقای احمدی نژاد خوب حرفی زدند که در کشور ما هزینه کارکردن بیشتر از کار نکردن است

واقعاً کار کردن هم درد سر دارد و هر چه قدر می دوی باز هم نمی رسی نه به بالادستی ها و نه به زندگی خودت. بنده شغلی دارم و متوسط درآمد در ماه ۴۰۰ هزار تومان است اما واقعاً گاهی آخر ماه دستی پول می گیرم چون زندگی که فقط خوردن و «زنده ماندن نیست. خدای ناکرده یک بیماری کافی است تا تمام حساب و کتاب های آدم را زیر و رو کند

محمود گودرزی دیگر شهروند تهرانی نیز چهره فقر را این گونه می بیند: «گاهی از این که نمی توانم به راحتی دست به جیبم ببرم و مثلاً برای خانه گوشت قرمز بخرم، از خودم خجالت می کشم. ماه گذشته با قصاب سرکوجه دعویمان شد که چرا نایلون مشکی به مغازه اش نمی آورد چون واقعاً خجالت می کشم یک کیلو گوشت را به خانه ببرم و سر مسیر نمایش بدهم، قصاب هم می گوید بهداشت قدغن کرده و اجازه استفاده از نایلون مشکی نمی دهد. من آمی را در همین کوچه خودمان می شناسم که سال به سال بوی غذا از خانه شان بلند نمی شود البته این ها آدم هایی هستند که مسکن دارند، وسایل منزل دارند و آدم های آبروداری هستند وای به حال آن هایی که از همین چیزها هم محرومند. شما خبرنگارید و حتماً دیده اید که خانواده هایی با لوازم کامل منزل کنار خیابان زندگی کرده اند، از این وحشتناک تر نمی شود که یک خانواده وسایل خانه را، تلویزیون و یخچال را زیر پل بچینند یعنی این که آن ها همیشه فقیر نبوده اند و حالا جریانات اجتماعی عنان زندگی را از دستشان خارج کرده» وی در مورد خودش می گوید

وضع درآمد من طوری نیست که بگویم خوب است نه، همه به اندازه خود حفره های بزرگی در زندگی شان دارند اما خدا را «شکر دستمان به دهانمان می رسد، می توانیم ماهی یک کیلو گوشت برای زن و بچه بخیریم ولی به خدا قسم از همین هم ناراحتم کاش این قدر هم توانایی نداشتیم تا شرمنده نمی شدم. بدبختانه شکاف آنقدر زیاد شده که آن هایی هم که دارند و دستشان به دهانشان می رسد نمی توانند به راحتی بخورند، آن ها هم مجبور به تظاهر هستند که نداریم و ما هم مثل شما بدبختیم

ده؛ گروهی از کارگران موقت یکی از کارخانجات در شهر صنعتی البرز به دلیل اعتراض به اخراج دسته جمعی، یکی از مدیران کت را به شدت ضرب و شتم نموده به نحوی که وی در حال حاضر در بیمارستان به سر می برد

نامه ی معصومه شفیعی به رئیس قوه قضاییه : چه اتفاقی برای گنجی افتاده است؟

!جناب آقای شاهرودی، ریاست محترم قوه قضاییه

این نامه را در حالی می نویسم که از فرط نگرانی خواب به چشمانم راه پیدا نمی کند و دلیل آن نیز بی خبری محض و شایعات تکان دهنده درباره ی سلامتی و حیات همسر است. از بی نتیجه بودن این نامه تقریباً مطمئنم ولی از سر استیصال به آن اقدام می کنم. اندک ایمانی که داشتم در نتیجه عملکرد عدلیه ی زیر نظر شما به کفر گراییده ولی با یادآوری آیه ی شریفه ی: لا تائبوا من روح الله اِنَّه لا یابس من روح الله اِلَّا القوم الکفرون* (یوسف/۸۷) «از ... * رحمت خدا مأیوس نشوید زیرا تنها کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند.» نیرویی و ادارم می کند که قلم در دست گیرم. آخرین باری که همسر زندانی و تکیده و بیمارم را ملاقات کردم چهارم شهریور ماه بود و از آن زمان تا کنون هیچ خبری از وی ندارم و چشمان نگران و پرسشگر دخترانم و مادر دل شکسته و بیمار همسر، مرا رنج می دهد و علی رغم طی کردن همه ی مجاری قانونی باز آرام و قرار ندارم. بهترین سال های زندگی من و فرزندانم در فراق و نگرانی، اشک و آه و دعا و انتظار گذشته است بارها و بارها به ذهن و زبان آمده که اگر اکبر گنجی زبان منتقدی نداشت، اگر به کسب ثروت نامشروع مشغول بود، اگر همان اولین روز بازداشت فقط «یک جمله می نوشت»، اگر به جای مطالعه و پژوهش به کارهای خلاف اخلاق می پرداخت، اگر به فکر پست و مقام بود و اگر... یقیناً خود و خانواده اش چنین مورد بی مهری قرار نمی گرفتند

جناب آقای شاهرودی! شما به موجب قانون و به عنوان رئیس قوه قضاییه موظفید که به من به عنوان یک شهروند و همسر یک زندانی - که دارای حقوقی انسانی و قانونی است- پاسخ دهید؛ هیچ قانونی شما را از پاسخگویی معاف نمی کند. همسر من در زندانی است که تحت

نظارت مستقیم شماست. او هر جرمی که کرده باید مطابق قانون با او برخورد شود. هیچ قانونی رفتار کنونی قوهی قضائیه با وی و شکنجه دادن خانواده‌اش را توجیه نمی‌کند

جناب آقای شاهرودی! مسئولین مربوطه یک بار ادعا می‌کنند که گنجی در بند عمومی است و بقیه‌ی محکومیت خود را می‌گذرانند، بار دیگر ادعا می‌کنند که در قرنطینه‌ی بهداشتی - درمانی زندان اوین است. اگر در بند عمومی است در کدام بند است و روزهای ملاقات آن بند کدام است؟ زندانیان بند عمومی هر هفته روزهای خاصی ملاقات دارند، تلفن دارند، به مرخصی می‌روند و... و طبق آیین‌نامه‌ی داخلی زندان تمام امورشان تحت اختیار مسؤل زندان است نه دادستان ولی در مورد گنجی تنها کسی که مسؤلیت ندارد رئیس زندان است. چرا به ما ملاقات نمی‌دهند؟ چرا به گنجی اجازه نمی‌دهند یک تلفن به منزل بزند و فرزندانش را از انتظار و اضطراب نجات بخشند؟ و اگر گنجی در قرنطینه‌ی بهداشتی - درمانی است به چه دلیل به قرنطینه منتقل شده مگر پزشکان بیمارستان میلاد (علی‌الادعا) رسماً اعلام نکردند که حال گنجی، خوب است!!؟ حتماً اتفاق خاصی افتاده که به قرنطینه‌ی درمانی منتقل شده است. هیچ مقام مسؤلی پاسخ ما را نمی‌دهد شما به ما بگویید ما چه کنیم؟ اگر کسی، از مسئولین تحت امر شما شاکی باشد باید به کجا مراجعه کند؟

من، آقای گنجی و وکلای ایشان بارها و بارها طی ۵ سال گذشته از قضات پرونده‌ی آقای گنجی به دادستانی انتظامی قضات و کمیسیون اصل نود مجلس ششم شکایت کردیم فقط در مرحله‌ی اول رسیدگی شد و برای قاضی پرونده‌ی گنجی کیفر خواست صادر شد ولی در مراحل بعد، مسکوت گذراندند تا شامل مرور زمان شود. کمیسیون اصل نود نیز بعد بررسی و تحقیق بسیار اعلام کرد که در جریان پرونده‌ی گنجی کارهای خلاف قانون صورت گرفته است.

آقای شاهرودی! اگر در دادستانی انتظامی قضات به شکایت متعدد ما رسیدگی می‌شد و یا حداقل کیفر خواست صادره بیطرفانه رسیدگی می‌شد، اگر گزارش کمیسیون اصل نود ضمانت اجرایی داشت، اکنون چنین نامه‌ای نوشته نمی‌شد. امیدوارم این مکتوب نیز به سرنوشت مکتوبات دیگر دچار نشود لذا خاضعانه از افکار عمومی تقاضا دارم که پاسخ به این نامه را از آقای شاهرودی طلب کنند.

/معصومه شفیعی همسر آقای گنجی ۶/۳۰